



کودتای ننگین ۲۸ مرداد از حافظه ها پاک نخواهد شد!

استراتژیک برای حفظ منافع درازمدت سرمایه داری جهانی باید به هر طریقی تحت کنترل قرار می گرفت و گرفت. اثرات و عواقب کودتای ننگین ۲۸ مرداد توسط امپریالیست

اهداف تجاوزکارانه قدرت های امپریالیستی شتافت. از یک سو دربار و شاه، سران ارتش و روحانیت به زعامت افرادی چون بهبهانی، بروجردی و کاشانی و ملاکین بزرگ و دلالان که در اثر رشد جنبش سیاسی و اجتماعی توده ای ناگزیر به عقب نشینی هایی شده بودند، دست به دامان قدرت های امپریالیستی برای دخالت مستقیم به منظور اعاده و تامین امتیازات و حفظ وضع سابق بودند و از سوی دیگر مجموعه نیروهای ملی، ترقی خواه و استقلال طلب قرار داشتند که به خاطر تفاوت ها و تعارض های درونی شان نهایتاً نتوانستند مقابله با این دخالت خارجی و بازگشت رژیم سلطنتی را با تکیه بر جنبش توده ای سازمان دهند و متحمل شکست سنگینی گردیدند. بارزترین نیروهای متشکل حزبی در این دوره یعنی جبهه ملی و حزب توده ایران در نبود جنبش های مستقل و متشکل طبقه کارگر و دیگر نیروهای اجتماعی، با پیش گرفتن سیاستی به غایت نادرست، انشعابی را در پتانسیل مبارزاتی توده ها بوجود آوردند که جبران ناکردنی بود. حزب توده که میزان اقدامات و تحلیل های سیاسی اش بر پایه منافع سیاست خارجی شوروی سابق قرار داشت، علاوه بر دنباله روی همیشگی از این سیاست، در صحنه مبارزات توده ها نیرویی بود که اساساً دچار دنباله روی از حوادث گردید و جبهه ملی نیز بنا بر ماهیت طبقاتی اش هراسان از تعمیق مبارزه و ترسان از تحول بنیادین اجتماعی، به نظاره نشست. در بازتاب چنین شرایطی بود که یک جایگزینی سیاسی - اقتصادی در ایران توسط آمریکا به پیروزی می رسد. این جابجایی قدرت که با

ها و به کمک عوامل داخلی شان تا آن حد عمیق بود که گذار از آن همه لطمات جبران ناپذیری بود که بازسازی آن ها نیازمند تلاش نسل ها خواهد بود. در کنترل قرارگرفتن منابع نفتی یعنی مهم ترین منبع و ثروت کشور برای ۲۵ سال و سلطه بیشتر بر اقتصاد ایران، تداوم و تشدید مداخلات نیروهای خارجی در امور و سرنوشت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، یعنی تشدید وابستگی رژیم مولود کودتا، اعدام و زندانی کردن صدها و هزاران نفر از مبارزان راه آزادی و بهروزی توده ها، سرکوب همه احزاب و سازمان ها و محافل چپ، دموکرات، ملی، لیبرال دموکرات، مستقل و برجای ماندن تنها ویروس اجتماعی، یعنی روحانیت با شبکه سنتی سراسری آن به مثابه تنها تشکیلات سیاسی - مذهبی باقیمانده در جامعه (به غیر از تشکیلات و نهادهای حکومتی)، از جمله ثمرات این کودتا بودند. زمینه هایی که در تحول ۱۳۵۷ نتایج مناسب خود را به بار نشاند و قیامی که می رفت تا غلبه بر دیکتاتوری و سلطه سیاسی سرمایه داری جهانی پیروزی مردم را به جشن بنشینید اسیر رژیم مذهبی ای کرد که خود را به جای رژیم ستم شاهی و واژگون شده نهاد و بر سرنوشت دوره ای دیگر از تاریخ مردم ایران شمشیر برکشید. پیروزی دیکتاتوری سلطنتی به واسطه کودتا، مرحله ای تازه از پروژه ای بود که آمریکایی ها به دنبال وقفه کوتاهی که در دوران ملی شدن صنعت نفت بوجود آمده بود در ایران دنبال می کردند. در این میان صف بندی های درونی جامعه در دوره پیروزی کودتا نیز از جمله عواملی بود که به یاری

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سرآغاز دوره ای ۲۵ ساله از یک دیکتاتوری خشن سلطنتی بود که اثرات معینی را در ساختار وابسته اقتصادی و سیاسی ایران برجای نهاد. تثبیت یک دوره سکون و سرکوب و جلوگیری از هرگونه سازمان یابی توده ای محصول این کودتا و در راستای ادامه حضور مستقیم امپریالیست ها و بویژه امپریالیسم آمریکا در ایران بود. دوره ای که با سرکوب گسترده آزادیخواهان آغاز گشته بود، در پناه حاکمیت رستاخیزی هزار فامیل و دربار به اقتدار رژیم شاه در مقام ژاندارمی آمریکا در منطقه انجامید.

در پنجاهمین سالگرد این کودتای شوم نظامیان و اوباش به فرماندهی مستقیم امپریالیسم آمریکا و حمایت کامل انگلستان در ایران قرار داریم. این پنجاه سال، اگرچه نیمیش از سال ۱۳۵۷ آغاز شده ولی در ماهیت ادامه همان روندی بود که از ۲۸ مرداد شروع شده بود. روندی که همانا جلوگیری از هرگونه ایجاد بنیان های دموکراتیک و آزادی های سیاسی و اجتماعی در ایران بود. تنها نام دیکتاتورها تعویض گردید اما روال ادامه آن نسل کشی ای بود که از ۲۸ مرداد آغاز گردیده و در ۲۵ سال دوم نیز با حاکمیت جمهوری اسلامی ادامه یافت. رژیم جمهوری اسلامی اگرچه فرزند دهشتناک انقلابی بود که در سال ۱۳۵۷ می رفت تا نقطه آغازی بر خلاصی از دست دیکتاتوری باشد اما با تثبیت قدرت سیاسی جدید هر آن چه را که رژیم سلطنت موفق به نابودی اش نشده بود، به کمال خود رساند. سرکوب هر ندای آزادیخواهانه و اعمال شدیدترین روش های ضدانسانی در نابودی بنیان های دموکراتیک جامعه، تشدید وابستگی به امپریالیسم به سیاقی دیگر و تاراج ثروت های ملی آن مشترکاتی بودند که توسط این دو حاکمیت به عنوان موانع اصلی پیشرفت جامعه انجام گردید و می شود. ایران شاهراه مهم و

بقیه از صفحه ۲۰

چهاردهمین کنفرانس بنیاد

برنامه روز یکشنبه با میزگرد نسل دوم از ایران و انگلستان آغاز شد. در این میزگرد، دختران جوان از تجربیات خود در ایران و خارج و بخصوص تلفیق فرهنگ های مختلف در ارتباط با هویت زنانه سخن گفتند که با استقبال روبرو شد.

اولین سخنران روز یکشنبه خانم «مریم شهنش» ، پزشک و متخصص بیماری های مقاربتی از انگلستان بود. موضوع سخنرانی او «زن، کالایی برای فروش، رابطه جهانی شدن، فحشا، ایدز، درس هایی برای ایران» بود. او درباره گسترش ایدز در کشورهای جهان سوم و بویژه در برمه و تایلند و مشابهت شرایط آن با ایران سخن گفت. او اظهار داشت که جهانی شدن باعث بیکارسازی بویژه در مورد زنان شده و آنان را مجبور به تن فروشی می کند و تجارت سکس یکی از پیامدهای جهانی شدن سرمایه است که به دنبال خود گسترش ایدز را باعث می شود.

سخنران بعدی خانم «حوری صبا» از کانادا بود. او درباره «جهانی سازی، اشتغال و خانه نشینی زنان ایران» صحبت کرد. خانم «صبا» که خود به عنوان کارگر سال ها در کارخانه های ایران کار کرده است از نزدیک به مسائل زنان کارگر آشناست. او به بررسی پروسه بیکارسازی بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در مورد زنان پرداخت و در پایان تاکید نمود که پروسه جهانی شدن سرمایه، پروسه حقوق معوقه، فقر و خانه نشینی برای زنان کارگر است.

سخنران آخر خانم «یاسمین میظر» ، استاد دانشگاه گلاسکو از انگلستان بود. موضوع صحبت ایشان «زنان، کار و جهانی شدن» بود.

در حاشیه کنفرانس، نمایشگاه نقاشی زنان هنرمند ایرانی و نمایشگاه کتاب و نشریات برقرار بود.

آخرین برنامه، ارزیابی کنفرانس امسال و تعیین موضوع و محل برای کنفرانس آتی بود.

کنفرانس های «بنیاد پژوهش های زنان ایران»، به میعادگاه زنان فعال ایرانی تبدیل شده است. میعادگاهی که در آن پیوندها برای هرچه وسیع تر و موثرتر ساختن مبارزات زنان مستحکم تر می شوند

با خوانندگان:

مطلبی انتقادی با عنوان «چه رنجی می بریم از قبیلہ ی چپ پندار راست کردار» از سوی آقای غلامرضا بقایی پیرامون تظاهرات در استرالیا در حمایت از جنبش دانشجویی ایران، بدستمان رسید که در شماره آینده به چاپ خواهد رسید.

تیمور بختیار، اخوی و... تنها چند نمونه از نظامیان مزدوری بودند که درکنار شعبان بی مخ ها در طرح و تدارک کودتا نقش داشتند. سناریوی سیاهی که با کمک های بی دریغ کاشانی، بهبهانی، انواری، فلسفی و آخوندهای ریزودرشت دیگر به نتیجه نشست. آیت الله کاشانی طی ملاقاتی با زاهدی قبل از کودتا حمایت کامل خود را از کودتا اعلام می دارد و با بازگشت محمدرضا به کشور آیت الله بسید محمد بهبهانی در کاخ سعدآباد با شاه ملاقات و گفتگو می نماید.

کودتا به پیروزی می رسد. پس از آن شکنجه گاه های زندان لشگر ۲ زرهی فرمانداری نظامی تهران به ریاست سرتیپ فرهاد دادستان و سرتیپ تیمور بختیاراست که به کار می افتد و شکنجه وحشیانه آزادیخواهان، تعداد زیادی از اعضای جبهه ملی، حزب توده، روزنامه نگاران و همکاران سابق مصدق آغاز می گردد.

شعبان جعفری، حسین رمضان یخی، تقی رمضان یخی، احمد عشقی، امیر بوربور، رقیه آزادپور، حاجی عزیز، ملکه اعتضادیه، ناصر حسن خانی (جیگرکی)، حاجی حسین عالم، رضا اربابی، و... از جمله نیروهای انصاری بودند که در کنار شاه و برای شاه کودتای خونین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را سازمان داده و در این توطئه علیه منافع مردم ایران از حمایت بی چون و چرای رهبر برخوردار بودند. عقدی نامیمون میان لمپن ها و نظامیان که نشانه هایش را در تمامی کودتاها شاهد بودیم این بار در ایران به اجرا گذاشته می شود.

انتشار روزنامه های ملی و فعالیت احزاب سیاسی ممنوع اعلام می گردد. دستگیری های گسترده آغاز می شود و صدها نفر حکم تیر می گیرند.

«هندرسن» سفیر آمریکا در تهران در روز ۳ سپتامبر ۱۹۵۴ کمک فوری ۲۳ میلیون و ۴۰۰ هزار دلاری ژنرال «آیزنهاور» رئیس جمهور وقت آمریکا را به زاهدی اعلام داشته و ۴۵ میلیون دلار کمک بلاعوض آمریکا در روز ۵ سپتامبر به کودتاچیان داده می شود. و حکومت دیکتاتوری شاه دوره ۲۵ ساله خود را در ایران تا سال ۱۳۵۷ آغاز می کند.

سفر هریمن به ایران در دوره نخست وزیری مصدق به بهانه میانجی گری میان مصدق و انگلیسی ها آغاز گردید با هدف تثبیت آمریکا به مثابه نیرویی که بعد از جنگ جهانی دوم برای تامین هژمونی خود گام برمی داشت به انجام رسید. آمریکا برای جایگزین کردن خود به جای اقتدار انگلستان به عنوان دیرپاترین نیروی امپریالیستی در ایران و در منطقه از هیچ اقدامی در این میانه فروگذار نکرد. آمریکا برای ایجاد تغییرات معینی در بافت اقتصادی - سیاسی جامعه ایران به ارزیابی جدیدی رسیده بود و تحمل حکومت هایی چون مصدق در آن دوره برایش انتخاب مناسب نبود.

۵۰ سال از کودتای ۲۸ مرداد می گذرد. دوره اول ۲۵ ساله حاکمیت رژیم سلطنتی که زائیده کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۳۲ بود و دوره ۲۵ ساله بعدی، تاریخی دردبار را بر اکثریت مردم ایران تحمیل نموده اند. رنج هایی به قواره چندین نسل که هرگز فراموش شدنی نخواهند بود. دورانی تاریخی که مرتب تکرار می گردند و طنز تراژیک در این جاست که بعد از ۵۰ سال باردیگر شاهدیم که چگونه کودتاگران سابق بر حال و روزگار مردم اشک تمساح می ریزند و بادروغ و تبلیغات به دگرگونه جلوه دادن تاریخ مشغولند. هیولایی در مقابل هیولایی دیگر. افریتی در مقابل افریتی دیگر. کار این دست پرورده های آمریکا به جایی رسیده است که اساسا منکر دخالت سازمان های جاسوسی - اطلاعاتی آمریکا و انگلیس در بوجود آوردن کودتای ۲۸ مردادند و خود را بسیار وقیحانه در انجام آن همه جنایات به کوچه علی چپ می زنند. اما اینان باید بدانند که حافظه تاریخی ملت ما آن طور که فکر می کنند هنوز پاک نشده است. نقش دلال منشانه آن ها برای تحکیم کودتا آن قدر مسجل است که دیگر هیچ نیروی آگاهی در مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی فریب تبلیغات مقامات امنیتی سابق را نخواهد خورد. مردم خیلی خوب می دانند که مزدوران داخلی امپریالیست ها یعنی سلطنت طلبان، چه خوش رقصی هایی را برای اربابان خود انجام داده و می دهند. متاسفانه از این دست نوکران خارجی در هیچ دوره تاریخی کم و کسری در ایران وجود نداشته است. نصیری، زاهدی، فرزنانگان، گیلان شاه، باتمانقلیچ، مزینی، بایندر، منزه، خسروانی، فرهاد دادستان،